

طرز برخورد و نگرش ما نسبت به مرگ چگونه باید باشد؟

الف: طرز برخورد نادرست نسبت به مرگ.

در دنیای امروز واکنش‌ها نسبت به موضوع مرگ خیلی متفاوت هستند. بعضی‌ها از مرگ می‌ترسند و سعی می‌کنند در این مورد هیچ صحبتی نکنند. در بعضی از فرهنگ‌های شرقی، مردم حتی می‌ترسند کلمه "مرگ" را بر زبان بیاورند، چون فکر می‌کنند که با اشاره به آن، مرگ را به زندگی خود دعوت می‌کنند. بعضی‌ها مرگ را بدون هیچ احساسی قبول می‌کنند، و عقیده دارند که در هر حال وقتی که بمیرند، می‌پوسند و هیچ چیزی از آنها باقی نمی‌ماند. بعضی اشخاص و فرهنگ‌های دیگر به مرگ و خدایی که اجازه داده تا مرگ در این دنیا وجود داشته باشد لعنت می‌کنند. (البته اگر از نظر آنها خدایی وجود داشته باشد).

پس به عنوان یک ایماندار به مسیح، با چه دیدگاهی باید به مرگ نگاه کنیم؟ نگاه ما باید با دیدگاهی که کلام خدا می‌فرماید یکی باشد.

طرز برخورد کتاب مقدس نسبت به مرگ صالحان:

1: گرانبها در نظر خدا.

کلام خدا می‌فرماید:

"موت مقدسان خداوند در نظر وی گرانبها است."

(مزمور 116: 15)

از دیدگاه خدا، مرگ یعنی رسیدن فرزندان او به منزل و خانه آسمانی، جایی که پدر منتظر آنها است.

2: کنده شدن از شریر و دنیای گناه آلود و ماندن در صلح و آرامش خدا است.

"انسانهای خوب می‌میرند و کسی نمی‌فهمد و حتی اعتنایی ندارد. اما وقتی آنها می‌میرند، دیگر هیچ بلایی به آنها آسیبی نمی‌رساند. آنها که با نیکویی زندگی می‌کنند، در موقع مرگ آرامش و راحتی می‌یابند." (اشعیا 57: 1-2)

"او نیز جسم و خون به خود گرفت و انسان گردید تا به وسیله مرگ خود ابلیس را که بر مرگ قدرت دارد، نابود سازد، و آن کسانی را که به سبب ترس از مرگ تمام عمر در بردگی به سر برده‌اند، آزاد سازد."

(عبرانیان 2: 14-15)

از دست دادن عزیزی در زندگی بسیار ناراحت‌کننده است، ولی ما به این موضوع می‌توانیم با این دیدگاه نگاه کنیم، که آن شخص از دست رفته دیگر مجبور نخواهد بود شرارت این دنیای پر از گناه را تحمل کند، بلکه در حضور خدا و در آرامش دائمی خواهد ماند.

3: فرشتگان ما را به جایی که در آن خوشی و سعادت هست خواهند برد.

در کلام خدا می‌خوانیم، یک شخص فقیر که به خدا ایمان داشت می‌میرد و فرشتگان آمده او را به آغوش ابراهیم می‌برند.

"یک روز آن فقیر مُرد و فرشتگان او را به آغوش ابراهیم بردند. آن ثروتمند هم مُرد و به خاک سپرده شد." (لوقا 16 : 22)

آن صالحانی که در جفا بوده اند، از جفا آزاد خواهند شد و فرشتگان آنها را به جای راحتی خواهند برد.

4: رفتن به بهشت

برای یک ایماندار بستن چشمها در این دنیا، یعنی باز کردن آنها در حضور خداوند. عیسی به دزدی که بالای صلیب بود و به او ایمان آورد، وعده داد که با او در بهشت خواهد بود :
"خاطر جمع باش، امروز با من در فردوس خواهی بود."
(لوقا 23 : 43)

5: یک عزیمت، خروج و مهاجرت

برای پولس رسول مرگ پایان زندگی نبود، بلکه به معنی یک "مهاجرت" بود. او مرگ را به یک کشتی تشبیه می کند که شخص را به مقصد یعنی آسمان می رساند.

"اما من، وقت آن رسیده است که قربانی شوم و زمان رحلتم رسیده است."
(دوم تیموتائوس 4 : 6)

پطرس رسول همان کلمه یونانی خروج را که ترجمه اش مرگ است ، برای خروج اسرائیل از اسارت مصریان به کار می برد.
"نهایت کوشش خود را خواهم کرد تا پس از مرگ من، شما بتوانید در همه اوقات این مطالب را به یاد آورید." (دوم پطرس 1 : 15)

6: سود و منفعتی که بهتر از زندگی است.

برای پولس رسول زندگی و خدمت به مسیح عالی بود؛ ولی از طرف دیگر رفتن پیش عیسی بسیار عالی تر بود.
"زیرا مقصود من از زندگی، مسیح است و مردن نیز به سود من تمام می شود... بین دو راهی گیر کرده ام. اشتیاق دارم که این زندگی را ترک کنم و با مسیح باشم که خیلی بهتر است."
(فیلیپیان 1: 21 - 23)

7: بودن با مسیح در منزل خدا.

برای همین است که موضوع مرگ برای پولس رسول یک نوع باز یافتن و بدست آوردن است، نه از دست دادن و پایان.
"...با مسیح باشم که خیلی بهتر است." (فیلیپیان 1: 23)

8: خوابیدن در مسیح

آنانی که در مسیح (ایمانداران به عیسی مسیح) می میرند، یعنی در عیسی می خوابند.

برای یک ایماندار امین و وفادار به مسیح، تمامی این حقایق کافی است تا متقاعد شود که نباید از مرگ ترسید و یا آن را انکار کرد، بلکه می توان با دیدی مثبت به آن نگاه کرد و حتی منتظرش بود، چون تمامی برکات بعد از مرگ، مانند حیات جاودان که خداوند مهیا کرده است، نصیب ما خواهد شد.

باشد که خداوند به ما فیض و ایمان کافی ببخشد تا به مرگ عزیزانی که در مسیح خوابیدند با این دید نگاه کنیم.

بگذاریم که این واقعیت، یعنی مرگ جسمانی، ما را بیشتر به دادن بشارت تشویق کرده، بر انگیزد تا با غیرت در دعا به خدا نزدیکتر شده و همیشه با او راه رویم.
دعا کنیم تا خدا محبت ما را نسبت به یکدیگر بیشتر سازد زیرا ماندن ما در این دنیا کوتاه است.

"در حال حاضر این فیض به وسیله ظهور نجات دهنده ما عیسی مسیح آشکار شده است. او موت را از میان برداشت و حیاتی فنا ناپذیر به وسیله انجیل برای همه آشکار ساخته است." (دوم تیموتائوس 1 : 10)

شهادت زندگی برادر سیامک و خانواده اش در مورد فوت فرزندشان، پژمان.

برادر سیامک و خانواده اش بعد از این که خاک ایران را ترک می کنند، در ترکیه با کلیسایی آشنا می شوند که همسر و دختر ایشان در آنجا به عیسی ایمان می آورند. او با دیدن تغییر زندگی دختر و همسرش و با خواندن کلام خدا، تصمیم می گیرد که خود نیز قلبش را به عیسی مسیح بسپارد. در نتیجه تمام خانواده به عیسی مسیح ایمان می آورند و زندگیشان را به خداوند می سپارند. در آن شرایط سخت پناهندگی، پسرشان پژمان مبتلا به بیماری می شود که مراجعه به دکتر برایشان سخت و گران بود. آنها در ابتدا فکر کردند که بیماری پسرشان ممکن است یک سرما خوردگی ساده باشد، ولی با گذشت زمان وضع پژمان خیلی وخیم تر می شد، تا جایی که حتی ادرار خود را نمی توانست کنترل کند.

چون امکانات بیمارستان در شهرشان خیلی کم بود، آنها را با یک آمبولانس به شهر آنکارا انتقال دادند. در آنجا آزمایش ها نشان داد که تومور بدخیمی در مغز پسرشان وجود دارد. دکترها به خانواده ایشان اطلاع دادند که پژمان، سه تا شش ماه بیشتر زنده نخواهد ماند. با تمام سختی هایی که بود، ایشان باور و ایمان داشتند که خدا هرگز آنها را تنها نمی گذارد.

آنها در طول ۹ ماه بیماری فرزندشان، آرامش خدا را در زندگیشان تجربه کردند. در آن مدت زمانی که در بیمارستان بودند، برای دیگر بیماران آنجا نیز دعا می کردند، تا خداوند آنها را نیز شفا دهد. پسرشان نیز هر روز تقاضا می کرد که کلام خدا را برایش بخوانند و والدین وی با خواندن کلام، آرامش خدا را در صورت فرزندشان می دیدند. سرانجام بعد از هشت روز کما، پژمان به سوی خداوند رفت.

به عنوان والدین، از داست دادن فرزند و یک عضو خانواده خیلی سخت بود، و هنوز هم سخت است، ولی با آرامش و تسلی ای که خداوند به آنها بخشیده، می توانند زندگی را ادامه بدهند، و حتی باعث برکت و تسلی آنهایی باشند که در شرایط مشابه قرار دارند.

سپاس بر خدا، پدر خداوند ما عیسی مسیح که پدری مهربان و منبع آسایش است. او ما را در تمام سختی ها و زحمتهایمان تسلی می بخشد تا ما بتوانیم با استفاده از همان آسایشی که به ما عطا فرموده، کسانی را که به انواع سختی ها گرفتار هستند، تسلی بخشیم.